**بازخواني مصحف فاطمه (س) در پاسخ به شبهات مطرح**

نويسنده: سيد مجتبي مجاهديان

واقعيت آن است، سئوالي كه هر از چند گاه بر ذهن و زبان برخي از برادران ما در ديگر فِرق اسلامي جاري مي‌شود، مسئله "مصحف فاطمه" و يا به تعبير ايشان " قرآن شيعه" است؛ اينكه حقيقت مصحف مذكور چيست و اكنون در كجاست؟ آيا براستي شيعه مي‌گويد:

چند كتاب آسماني غير از قرآن مجيد و پس از آن، بر ائمّه آنان نازل شده است... مثلاً مصحف فاطمه (س)؟!! 1

مشخصاً كدام يك از ائمّة و يا علماي اماميه ادعاي وجود و يا رؤيت اين قرآن را دارد؟!

آيا منتقدي از منتقدان، آن را ديده است؟!

چرا با چنين حجم انبوه ردّيه‌ها و نقد بر كتاب مذكور، نسخه اي از آن يافت نمي شود؟!

اصولاً ادعاي نقّادان از چه اتقان و استحكام علمي برخوردار است؟   
مسئله آمدن جبرئيل براي كسي، يك مسئله ساده نيست. خيال نشود كه جبرئيل براي هر كسي مي‌آيد و امكان دارد بيايد؛ اين يك تناسب لازم است بين روح آن كسي كه جبرئيل مي‌خواهد بيايد و مقام جبرئيل كه روح اعظم است... حتّي درباره ائمّة هم من نديده ام كه وارد شده باشد، اينطور كه جبرئيل به آنها نازل شده باشد، فقط اين است كه براي حضرت زهرا سلام الله عليهاست كه من ديده ام كه جبرئيل بطورمكرّر در اين هفتاد و پنج روز وارد شده و مسائل آتيه اي كه بر ذريه او مي‌گذشته است، اين مسائل را مي‌گفته است [و]حضرت امير هم ثبت مي‌كرده است... و اين از فضائلي است كه از مختصّات حضرت صديقه سلام الله عليهاست2 ".   
گفتار فوق كلام مرجع و سخنگوي رسمي مكتب اهل بيت در عصر غيبت حضرت امام خميني (ره) است. ايشان بر اساس روايات معتبر، تنها از مقام و منزلت معنوي فاطمه زهرا (س) سخن به ميان آورده و نزول فرشته وحي بر بانوي نمونه اسلام را بيان فرمود، اما هرگز كوچكترين اشاره اي در طرح ادّعاي نبوّت حضرت فاطمه (س) و نزول قرآني ديگر براي شيعه ننموده است.   
علي رغم اهتمام بليغ بزرگان تشيع در اعلام صريح موضع رسمي خود و پاسخ به شبهات پيرامون اين مصحف شريف، بسي مايه تأسف است كه باز و به هر بهانه اي، تهمت‌هاي پيشين تاريخي در لباس جديد شبهه عرضه شده و دامن گير اماميه مي‌گردد؛ چنانكه از سال 1414 ق رساله دكتري ناصربن عبدالله قفّاري به نام "اصول مذهب الشيعه الاماميه الاثني عشريه عرض و نقد" در 3 جلد به عنوان بهترين تحقيق علمي و آكادميك!! عربستان سعودي، مكرر در سطحي گسترده، تكثير و توزيع شد3. كتابي كه نه تنها در جهت تخطئه اعتقادات مستدل‌ترين فرقه ديني بلكه در راستاي تضعيف ايده مقدّس تقريب مذاهب اسلامي، آنهم در جوار كانون بايسته اتّحاد مسلمين ـ حرمين شريفين ـ سربرآورد! البته قابل اغماض نيست كه بدنه جهان اسلام در تب شديد نا هنجاريهاي دولتهاي خودكامه، مي‌سوزد. نويسنده مذكور پيش از اين در كتاب "فكره التقريب بين اهل السنه و الشيعه" ايده تقريب مذاهب اسلامي با اماميه را به دليل كفر شيعه!! "ناممكن" 4 دانسته بود. دكتر قفّاري در جاي جاي "اصول مذهب شيعه" با تمسّك به اخبار ضعاف، شاذ، مرسل و غير معتبر در نزد شيعه، برداشت‌هايي خلاف واقع نموده و با ارائه قرائتي نو از تهمت‌هاي كهنه بر اماميه، با ضرس قاطع مي‌نويسد: "شيعه مي‌گويد چند كتاب آسماني غير از قرآن مجيد و پس از آن، بر ائمه آنان نازل شده است و در واقع ادعاي نبوّت بر امامان خود است... مثلاً مصحف فاطمه... آنان مي‌گويند حجم اين كتاب سه برابر قرآن است و محتواي آن كتاب، علم غيب بر فاطمه را اثبات مي‌كند، چيزي كه حتّي پيامبر نداشته است."5   
با تمام رقّت و سبكي ادعاي فوق كه مشتي نمونه از خرمن آن مثنوي نُه من كاغذ است، شايد بتوان اذعان نمود اين نوشته مهمترين كتابي است كه در طول تاريخ، عليه مكتب اهل بيت (ع) نوشته شد 6؛ پس "تو خود حديث مفصّل بخوان از اين مجمل". جالب آن است كه قفّاري در اين كتاب، حديث مستند "مصحف فاطمه" را دليل بر كفر شيعه!! شمرده و شدّت كفر ايشان را از يهود و بلكه از كفّار بيشتر دانسته است7!! بي‌خبر از آنكه قرآن به پيامبر رحمت (ص) سفارش مي‌كند حتّي با اهل كتاب بر سر سخن يكساني كه ميان آنهاست، همنوا شده و بايستند 8؛ چراكه قوام جامعه اسلامي بسته به وحدت است و تنازع جز گام نهادن در پرتگاه شكست و آغاز هزيمت نيست: "وَلا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ." 9  
بي‌گمان، گرچه اختلاف گروه‌ها در اختصاص خلافت پيامبر، محلّ نزاع فرق اسلامي گرديد، امّا اجماع همه گروه‌هاي مسلمين بر مرجعيت علمي و تفسيري آل البيت (ع) و اقرار به قرابت ايشان با حضرت ختمي مرتبت (ص)، مي‌تواند محور وحدت مسلمين قرار گيرد. به گواهي تاريخ، جهت گيري مكتب علمي و معنوي اهل بيت همواره در راستاي تحقق آرمان مقدّس وحدت و در خدمت حفظ مصالح مسلمين بوده است، چنانكه سخنان خليفه دوّم و ائمّه فرق اسلامي شاهد اين مدّعاست.   
سفارش قرآن به گفتگو با اهل كتاب و حتّي مشركين، ديگر جايي براي تنازعات موجود ميان گروههاي مسلمان باقي نمي گذارد. رهبران فرق اسلامي مي‌بايست به منظور تحقق همه جانبه وحدت مطلوب، وظايف خود را به احسن وجه عمل نموده و به راهكارهاي ذيل اهتمام ويژه نشان دهند: تقويت بنيان‌هاي علمي و عملي مشترك، احترام به اصول و عقايد يكديگر، تقويت روح برادري و همدلي، مديريت بر مجموعه‌هاي خود به منظور تنش زدايي و جلوگيري از موج آفريني، شفافيت در مواضع، حصر اختلافات فرقه اي در گفتگوهاي علمي (توصيه علّامه سيد شرف‌الدين)، بستن نگاه تكفيري فِرق اسلامي بر يكديگر (توصيه شيخ محمود شلتوت مفتي اهل سنت و آيت الله العظمي بروجردي مرجع شيعه)، حذف مقياس‌هاي غير قرآني تفاضل (مقياسهايي غير از تقوي، مجاهده،... )، پرهيز از مسائل فتنه انگيز (حذف مستفزّات)، پاسخ علمي به شبهات؛ البتّه شبهاتي كه با حسن نيت مطرح مي‌شوند نه با نيتِ سوء؛ چراكه شبه افكنان غرضمند نه در پي پاسخند و نه هرگز به انتظار جواب مي‌نشينند:   
**چون غرض آمد هنر پوشيده شد   
صد حجاب از دل به روي ديده شد**بر اين باور و در راستاي تحقق آرمان مقدّس وحدت اسلامي، به جستاري مجل پيرامون "مصحف فاطمه" مي‌پردازيم، باشد كه به تنوير افكار و رفع ابهامات برادران ما در ديگر فرق اسلامي بيانجامد؛ البتّه براين نكته تأكيد مي‌ورزيم كه جدل در محتوا و متن آن مصحف شريف شايد هيچگونه ثمره علمي و محصول عملي در پي نداشته باشد؛ چرا كه بنا به اعتقاد شيعه‌ـ‌ چنانكه خواهد آمد ـ اين مصحف از دسترس عموم خارج و نزد صاحبش، بقية الله الاعظم (عج) مي باشد.

**مصحف فاطمه، ميراث اهل بيت**

بنا بر روايات متعددي كه در جوامع حديثي مكتب اهل بيت عليهم السلام ثبت است، مواريثي خاصّ از علم و سلاح معصومين (ع)، دراختيار جانشينان معصومشان قرار مي‌گيرد؛ مواريثي كه "بخشي از شئونات امامت به شمار"10 مي روند. از اهمّ اين مواريث مي‌توان "كتاب علي يا جفر جامعه، مصحف فاطمه سلام الله عليها و صحيفه ديات"11 را نام برد. در روايتي از صادق آل محمّد (ص) آمده است: " وعندنا مصحف فاطمه 12؛ مصحف فاطمه نزد ماست". صاحب الذريعه، شيخ آقا بزرگ تهراني، در جمع بندي خود از اين مصحف شريف، مي‌نگارد: "مصحف فاطمه (س) از ودايع و امانت‌هاي امامت نزد مولي و امام ما صاحب الزمان (عج) است، همان طور كه در چندين حديث از طرق ائمه اين امر روايت شده است." 13  
تكاتك اين تراث گرانبها از نشانه‌هاي شناخت امام معصوم (ع) محسوب مي‌شوند و بديهي است كه هر زمان نزد آن بزگواران محفوظ باشند. عيون اخبار الرضا به نقل از حضرت ثامن الائمه و ضامن الائمه (ع) مي‌آورد: "للامام علامات: ان يكون اعلم الناس و احكم الناس... و يكون عنده صحيفه فيها اسماء شيعه... و يكون عنده مصحف فاطمه." 14  
در اخباري مستند وارد است كه حضرت زهراء (س) گاه مراجعاتي به مصحف خود داشته و تحفه‌هايي از آن را تقديم دوستان مي‌كرده است. اين مصحف شريف چونان سندي معتبر و مرجعي ارزشمند از جايگاهي رفيع نزد ائمّه برخوردار بوده و ايشان (ع) هنگام لزوم به آن مراجعه مي‌كردند15؛ چنانكه امام صادق (ع) به وليد بن صبيح فرمود: "اي وليد! من در مصحف فاطمه نگريستم و براي بني فلان از حكومت بهره اي به اندازه غبار كفش نيافتم." 16   
البته ناگفته نماند كه در برخي روايات، بجاي "مصحف" از "كتاب" فاطمه ياد شده است. 17 هرچند كه برخي از اعلام شيعه چون سيد محسن امين، صاحب اعيان الشيعه، قائل به وجود دو مصحف براي ام الائمّه (س) است: يكي شامل سخنان رسول الله (ص) و ديگري حاوي پيام‌هاي جبرئيل به بي‌بي دو عالم (س) پس از ارتحال پدر. البته بعضي ديگر را عقيده به اين است كه دو مصحف بر فاطمه (س) نازل شد؛ يكي به صورت مكتوب از آسمان و ديگري پس از نزول بر حضرت (س)، توسط علي (ع) به كتابت در آمد. 18

**محتواي مصحف فاطمه**

امام صادق (ع) در اين باره مي‌فرمايد: "زهراء (س) پس از رسول خدا (ص)، هفتاد و پنج روز بيشتر زنده نبود و به سبب فقدان رسول الله (ص) بسيار محزون بود؛ از اين رو جبرئيل به نزد ايشان مي‌آمد و علاوه بر تسلّي، حضرت (س) را از جايگاه رسول (ص) و اخبار آينده آگاه مي‌كرد و از آنچه به ذريه ايشان خواهد رسيد، خبر مي‌داد و علي (ع) هم همه آنها را مي‌نوشت كه آن را مصحف فاطمه ناميدند". 19   
گر چه متن و محتواي مصحف مذكور از دسترس ما خارج و در نزد صاحبش بقيةالله الاعظم (عج) مي‌باشد، امّا از جمع و بررسي اخبار وارده، مي‌توان كليات محتواي آن را به قرار ذيل دريافت؛ هرچند كه صراحت اخبار در نفي برخي از مطالب محتمل، بهترين پاسخ به شبهات موجود است:   
محتواي اثبات شده: الف) بيان مقام و منزلت عظيم پيامبر (ص)

ب) اخبار حوادث و پيشامدهاي آتي، بويژه آينده ذريه حضرت زهراء (س)

ج) ذكر اسماء انبياء و اولياء

د) وصيت نامه حضرت فاطمه (س) 20

و) آموزه‌هاي اخلاقي

ه) علوم قرآني 21   
محتواي نفي شده: اخبار مستند وارده، تصريح دارند كه اين كتاب در بردارنده دو چيز نيست: الف) قرآن ب) احكام؛ يعني اگر چه از جانب خداست و توسط فرشته وحي نزول يافته؛ اما نه قرآن است و نه وحي تشريعي؛ آنگونه كه امام صادق (ع) قسم ياد مي‌كند: "والله ما فيه [المصحف] من قرآنكم حرف واحد و ليس فيه من حلال و حرام"22. البته برادران منصف ما در ديگر فرق اسلامي بر اين نكته اذعان دارند؛ چنانكه ابوزهره متفكّر جهان تسنّن تأكيد مي‌ورزد كه مصحف فاطمه چيزي از قرآن در خود ندارد. 23

**آيا مصحف فاطمه قرآن شيعه است؟!**

آنگونه كه مشاهده شد، جنجال ساختگي اي كه بنام "قرآن شيعه" بر پا كرده اند، از كمترين پايه علمي و استدلال منطقي برخوردار نيست. بسيار جاي شگفتي است، با چنين سير پيشرفت علوم ارتباطات و فناوري اطلاعات كه نقطه كور و ناشناخته و منطقه ممنوعه اي در جهان باقي نمانده، كسي نمي تواند از اين قرآن سراغي بيابد!! مسلّم است كه سفر به جغرافياي زيستي شيعه و تفحّص در پنهان‌ترين زواياي زندگي ايشان، براي محقق جوياي حقيقت، ناممكن نيست!  
اگر مقصود جستجو گران ِ "قرآن شيعه" همان "مصحف فاطمه" باشد كه اين مسأله غريب‌تر مي‌نمايد!! چرا كه هيچ يك از ابناء شيعه، چنين ادّعاي گزافي نكرده است.   
علاوه بر ائمّه اماميه، جميع علماي شيعه به اتفاق اعلام نموده اند: "اين كتاب به اعتقاد همه شيعيان از كتاب مقدّس قرآن متفاوت است و قرآن ديگري در كنار آن به شمار نمي رود24. در روايات صادره از آل البيت (ع) اين پاسخ مكرّر بيان شده است: "آن[مصحف فاطمه] سه برابر بزرگتر است ازاين مصحفِ [قرآن] شما، به خدا قسم در آن حتّي يك حرف از قرآن شما نيست"25.   
حال بايد افكار حق جويان منصف را ـ از هر گروه و فرقه اي ـ به قضاوت فراخواند كه با وجود چنين توجه و اهتمام ويژه شيعه به رفع اين اتهام، ديگر اصرار بر نسبت آن به اماميه چه معنا مي‌دهد؟! آيا طرح مداوم اين شبهه از مصاديق بارز دامن زدن به مسائل فتنه انگيز نيست؟! آيا حمايت پيدا و پنهان دولت‌هاي به ظاهر مسلمان از اينگونه تحركات تفرقه افكن، در راستاي ايجاد وحدت اسلامي است؟!

**واژه مصحف، بهانه طرح شبهه**

در بررسي علل و عوامل طرح اين شبهه، به برداشتي غرضمند از واژه "مصحف" برمي خوريم. از عوامل ايجاد شبهه "قرآن شيعه"، مطلق دانستن واژه "مصحف" براي قرآن است؛ اما با نيم نگاهي بر معناي لغوي و اصطلاحي و موارد استعمال آن در قرآن و بر لسان اهل بيت (ع)، حقيقت روشن مي‌شود.   
در قرآن واژه "صحف " به معناي مطلق مكتوب و كتاب آمده است: "وَإِذَا الصُّحُفُ نُشِرَتْ؛ آنگاه كه نامه‌هاي اعمال منتشر گردد"26 و يا: "إِنَّ هَذَا لَفِي الصُّحُفِ الأولَى \* صُحُفِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى؛ اين در صحيفه‌هاي نخستين، در كتب ابراهيم و موسي است"27. اميرالمؤمنين علي (ع) در كلمه اي قصار مي‌فرمايد: "القلب مصحف البصر؛ قلب كتاب چشم است"28 بنابراين مشخص است كه در عهد پيامبر (ص) و تا مدتها پس از حضرت، واژه "مصحف" كاربردي در معناي مطلق قرآن نداشت، بلكه به مرور زمان اين لفظ اختصاص به قرآن يافت؛ چنانكه در روايتي از امام صادق (ع) آمده است: "من قرأ القرآن في المصحف يتمتع ببصره؛ هر كس قرآن را از روي برگ‌هاي مجلد بخواند، از چشم خود بهره مي‌گيرد"29؛ يعني تا زمانه آن بزرگواران واژه "مصحف" در معناي هر كتاب و يا نوشته مجلد ـ اعم از قرآن ـ بكار مي‌رفته است. زبيدي ‌ـ‌ لغوي بزرگ‌ ـ‌ در معناي مصحف چنين مي‌نگارد: "الجامع للصحف المكتوبة بين الدّفتين"30 به عبارتي ديگر "به معناي كتاب مجلّد و شامل هر كتابي مي‌شود و اختصاص به قرآن ندارد، گو اينكه معناي مشهور مصحف قرآن باشد"31 پس واژه مصحف مرادف تام و تمام قرآن نيست بلكه "هم خانواده صفحه و صُحف بوده و به هر كتاب در بردارنده مجموعه اي از اوراق و صفحات گفته مي‌شود؛ حتي قرآن كريم نيز از اين باب مصحف ناميده شد. اين اصطلاح به تدريج درعرف اسلامي، هم معناي قرآن گشته است؛ ليكن اصطلاح مذكور در دوره اي متأخر پديد آمده و فاصله تاريخي درازي با زمان صدور روايات درباره مصحف فاطمه دارد"32.   
و اما بر فرض، چنانچه اثبات شود مصحف زماني كه به معناي مطلق قرآن بوده، آگاهانه بر كتاب فاطمه (س) نهاده شد، باز نشان از آن دارد كه بدين وسيله مي‌خواسته اند تنها "بفهمانند ميان مصحف فاطمه و مصحف قرآن مشابهت هست، زيرا هر دو توسط جبرئيل نازل شده اند گرچه در محتوا متفاوتند." 33   
به هر روي در زمانه اي كه اهل سنّت تا عهد عمربن عبدالعزيز در ممنوعيت نقل و ثبت حديث به سر مي‌برد، پيروان مكتب اهلبيت پيوسته به حكم "الميسور لايسقط بالمعسور" در تكاپوي تدوين ميراث گرانبهاي معصومين خويش بود و لذا بديهي است كه در اين جهت گوي سبقت را از برادران خود در ديگر فرق ربوده باشد. به نوشته ذهبي ـ عالم اهل تسنّن ـ در ميزان الاعتدال: " اگر تلاش اين گروه [شيعه] نبود، تمام آثار نبوي ازبين مي‌رفت و مفسده بزرگي در دنياي اسلام پديد مي‌آمد." 34

عناوين "مصحف، كتاب و مسند فاطمه" نمايانگر اهتمام شايسته خاندان رسالت در حفظ مواريث و سنن اصيل اسلامي است. حضرت زهراء (س) را بايد علاوه بر مدرّس نغزگو و پرمغز معارف الهي به زنان مهاجر و انصار و خطيب خطبه‌هاي پرشور و شعور در مناسبت‌هاي بسيار، "اوّلين بانوي نويسنده اسلام" 35 دانست كه درجوّ اختناق، كمر همّت به حفظ تراث الهي پدر بست تا آنجا كه جلال الدّين سيوطي از اعلام علماي جماعت، مجموعه اي به نام "مسند فاطمه" شامل احاديث منقول از آن حضرت را فراهم آورد.

**تكمله**

و اما، توجّه به نكات ذيل در شناخت بيشتر "مصحف فاطمه" و در پاسخ به شبهات پيرامون آن حائز اهمّيت است:   
1- وحي بر دو قسم است: قرآني و غير قرآني. خداوند سخن گفتن رسولش را نيز وحي مي‌شمرد؛ البتّه وحي غيرقرآني "وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَى \* إِنْ هُوَ إِلا وَحْيٌ يُوحَى \* عَلَّمَهُ شَدِيدُ الْقُوَى"36.   
2- ختم پيامبري، به معناي انقطاع نزول فرشته وحي نيست؛ طبق نصّ صريح قرآن، هر سال و در شب قدر، فرشته وحي نزول مي‌يابد "تَنَزَّلُ الْمَلائِكَةُ وَالرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ"37.   
3- يكي از القاب حضرت زهرا (س) "محدَّثه" (بر وزن اسم مفعول) است؛ چرا كه فرشتگان با او هم سخن مي‌شدند؛ در اين باره امام صادق (ع) فرمود: "فاطمه، محدثه ناميده شد بدان جهت كه ملائكه از آسمان هبوط كرده و او را ندا مي‌دادند همانگونه كه مريم دختر عمران را ندا مي‌دادند." 38  
4- سخن گفتن جبرئيل با بي‌بي دو عالم، امري غير ممكن نيست؛ چرا كه نزول فرشته وحي اختصاص به پيامبران نداشته و بنابر صريح قرآن، برخي از اولياء نيز مورد خطاب ملائكه الله قرار گرفته اند؛ مانند حضرت مريم و مادرموسي: "وَإِذْ قَالَتِ الْمَلائِكَةُ يَا مَرْيَمُ"39 و "وَأَوْحَيْنَا إِلَى أُمِّ مُوسَى أَنْ أَرْضِعِيهِ" 40   
5- اگر اعتقاد به نزول فرشته وحي بر غير پيامبر به معني اثبات ادعاي نبوّت او باشد، پس اهل تسنن ناگزير از اقرار و اعتقاد بر نبوّت خليفه دوّم هستند؛ چرا كه او را "محدَّث" 41 مي‌دانند!!

**پي نوشت:**

1. کياني، مهندس، كدامين راه؟، ص165، قم، معصومي، نوبت اوّل، 1385
2. امام خميني، صحيفه امام، ج 20، ص6-5، مؤسسه تنظيم و نشر آثار امام خميني، نوبت اوّل، 1378.
3. كياني، مهندس، كدامين راه؟، ص5، قم، معصومين، نوبت اول، 1385.
4. همان، ص6.
5. همان، ص166-165.
6. همان، ص5.
7. همان.
8. آل عمران/64.
9. نفال/46
10. معارف، مجيد، پژوهشي در تاريخ حديث شيعه، ص36، تهران، مؤسسه فرهنگي و هنري ضريح، نوبت اوّل، 1374.
11. همان.
12. المجلسي، الشيخ محمّد باقر، بحارالانوار، ج26، ص37، بيروت، داراحياء التراث العربي، الطبعة الثانيّه 1403ه. ق.
13. تهراني، شيخ آقا بزرگ، الذريعة الي تصانيف الشيعة، ج21، ص126، بيروت، دارالاضواء، نوبت دوّم.
14. شيخ صدوق، عيون اخبار الرضاء (ع)، ج1، ص440-438، تهران، نشر صدوق، نوبت اوّل، 1372.
15. قرباني لاهيجي، زين العابدين، علم حديث، ص49، قم، انصاريان، نوبت دوّم، 1416هـ. ق.
16. حمدّي ري شهري، اهل بيت در قرآن و حديث، ترجمه شيخي وآژير، ج1، ص323، قم، دار الحديث، نوبت دوّم، 1380.
17. فضل الله، سيّد محمد حسين، فاطمه زهراء، ترجمه معموري، ص124، تهران، دار الملك، نوبت اوّل، 1381.
18. الموسوي، السيد محمد باقر، الكوثر في احوال فاطمه، ج الرابع، ص310-309، قم، الطبعة الاولي، 1420ه. ق.
19. پور سيّد آقايي، مسعود، چشمه در بستر (تحليلي از زمان شناسي حضرت زهراء)، ص286، قم، حضور، نوبت دوم، 1375به نقل از اصول كافي ج1ص241.
20. اميني، عبدالله، پژوهشي در مصحف حضرت فاطمه (س)، ص45، قم، دليل ما، نوبت اول، 1383.
21. الموسوي، السيد محمد باقر، الكوثر في احوال فاطمه، ج الرابع، ص308، قم، الطبعة الاولي، 1420ه. ق.
22. المجلسي، الشيخ محمد باقر بهار الانوار، ج26، ص39، بيروت، داراحياءالتراث العربي، الطبعة الثانية، 1403ه. ق.
23. ابو زهره، محمد، الامام الصادق حياته وعصره، ص324، مصر، مطبعه احمد علي مخيمره.
24. فضل الله، سيد محمد حسين، فاطمه زهراء، ترجمه مأ موري، ص163، تهران، دارالملك، نوبت اول، 1381.
25. الموسوي، السيد محمد باقر، الكوثر في احوال فاطمه، ج الرابع، ص320، قم، الطبعة الاولي، 1420ه. ق.
26. تكوير/ 10.
27. اعلي/ 18ـ 19.
28. دشتي، محمد، ترجمه نهج البلاغه، حكمت409، ص727، قم، مشهور، نوبت دوم، 1379.
29. كليني، ثقه الاسلام، اصول كافي، ج 2، نوبت اول، ص 613.
30. زبيدي، مرتضي، تاج العروس من جواهر القاموس، ج6، ص161، بيروت، دار الفكر1414.
31. اميني، عبدالله، پژوهشي در مصحف فاطمه (س)، ص43، قم، دليل ما، نوبت اول، 1382.
32. فضل الله، سيد محمد حسين، فاطمه زهرا، ترجمه معموري، ص124، تهران، دارالملك، نوبت اول، 1382.
33. اميني، عبدالله، پزوهشي در مصحف فاطمه (س)، ص43، قم، دليل ما، نوبت اول، 1382.
34. قرباني لاهيجي، زين العابدين، علم حديث، ص47، قم، انصاريان، نوبت دوم، 1416هـ. ق.
35. فضل الله، سيد محمد حسين، فاطمه زهراء، ترجمه معموري، ص162، تهران، دارالملك، نوبت اول، 1381.
36. نجم/ 5-3.
37. قدر/4.
38. اميني، عبد الله، پژوهشي در مصحف فاطمه (س)، ص61، قم، دليل ما، نوبت اول، 1382.
39. آل عمران/42.
40. قصص/7.
41. كياني، مهندس، كدامين راه؟، ص61، قم، معصومين، نوبت اوّل، 1385. (به نقل از دلائل الامامة)

**منبع: ماهنامه معارف - شماره 57**